

(20)

الاقس الاعلى

الحمد لله از تجلیات انوار نیر اعظم افق عالم روشن و منیر است و فیوضات رحمانیه از سماء مرحمت و مکرمت جاری و نازل طوبی از برای نفوسیکه بوساوس انفس خبیثه از شاطی بحر احدیه محروم نموده‌اند و حجابات وهمیه را بعنایات مالک بریه خرق نموده‌اند ایشانند نفوسیکه خمر مرحمت را از ایادی فضل من غیر تأمل گرفته و نوشیده‌اند ان لهم حسن مآب ای طائران هوای رحمن و طائفان کعبه عرفان بشنوید ندای این مظلومرا که در منتهای شدت و بلا شما را فراموش ننموده و در کل احیان احبای رحمن را امر مینماید بآنچه خیر است از برای ایشان عما خلق فی السموات و الارضین اعظم از کل امور استقامت و اتفاق بر کلمه جامعه الهیه است انشاء الله از فضل رحمانی و عنایت سبحانی کل بآن فائز شوید این بسی واضح و معلوم است که آنچه ذکر میشود مقصود خلاصی نفوس است از سجن نفس و هوی و ارتقائهم الی الافق الاعلى انشاء الله باید کل متمسک بحبل محکم استقامت شوند و متشبث بذیل اتحاد و اتفاق گردند باید بشأنی بر امر مستقیم باشند که نفحات آن مضطربین و متزلزلین را مستقیم نماید لیس هذا على الله بعزیز ان رأیت الجیم قولوا له بای حجة اقبلت و بای برهان عرضت عن الله المقتدر العزیز الحکیم انک اتبعت اهواء الذی ما عرف الیمین عن الشمال الا انه من الاخسرین و الذی اغویک قد اخذناه بذنبه اذا فی بحر النار یقول تبت الیک یا محبوب العالمین ضرب علی فمه من ید القدرة و قیل اصمت یا ایها المشرک البعید انک دعوت الناس الی الذی ما رأیته و ما عرفته و ما اطلعت علی امره و انت تصدقنی فی ذلک لو تكون من المنصفین یا عبد ارحم نفسک و انفس الناس و لا تتبع الذین اتبعوا الاوهام و جعلوها لانفسهم اربابا من دون الله دع ما عندهم ثم استقم بالاستقامة الکبری علی امر ربک فاطر الارض و السماء کذلک یأمرک مالک الاسماء لو کنت من العالمین بلسان پارسی القا کنید که شاید کلمات نصحیه ربانیه را ادراک نماید و بشاطی بحر اعظم راجع شود عجب در اینست که بعد از امواج بدیعه منیعه ابحر الطاف الهیه و اشراقات کلمات ربانیه باشارات عتیقه خلقه بالیه خلافت و امثال آن از شاطی بحر احدیه ممنوع و محروم مشاهده میشوند قل الله یعلم ما فی قلوبکم و ما انتم به تنطقون و تتکلمون در این ایام روحانی باید کل بطراز بدع رحمانی فائز شوند مقدسا عن کل ما فی ایدی الناس و عن کل ما سمعوا تا چه رسد بخلافت مجعوله که از ناحیه کذب ظاهر شده امثال این اذکار سبحات مجلله بوده که اکثر بریه از خرق آن عاجزند و لکن از برای حق عبادیست که بقدرت الهیه کل را خرق نموده‌اند و بدوست پیوسته‌اند الیوم آل الله نفوسی هستند که جمیع من فی السموات و الارض را معلق باراده حق دانند بشأنیکه اگر بخواهد بحرکت اصبع اراده نره تراب را باعلی نروه ابداع رساند و همچنین اعلی نروه را بادنی نره راجع فرماید کل ما یقول هو حق و ما یحکم به ینبغی ان یکون محبوب العارفین

بدیع من جمیع الجهات در این ظهور ظاهر لو كان الناس فيه يتفكرون باری بعضی اهل بیان باقوال ارامل اهل فرقان ناسرا از شریعه رحمن منع نموده اند بحرف جیم و امثال او بگوئید بعین بصیرت مشاهده کنید هزار سال او ازید جمیع فرق اثنی عشریه نفس موهومیرا که اصلا موجود نبوده مع عیال و اطفال موهومه در مدائن موهومه محل معین نمودند و ساجد او بودند و اگر نفسی انکار او مینمود فتوای قتل میدادند الا انهم من عبدة الاوهام فی کتاب ربک العلیم الخبیر و بعد از تولد نقطه در ارض معروفه نزد صاحبان بصیرت واضح شد که آنچه در دست قوم بوده کل باطل و بیمعنی بوده همین قسم در جمیع مطالبیکه نزد آن قوم است مشاهده کنید انی لا احب ان اخرق بعض الاحباب طوبی لقوی یخرق بانامل الیقین لیری ما هو المراد عند ربه مالک الایجاد کل در این ظهور مأمورند که در نفس ظهور و آثار او مقدسا عن الكل مشاهده نمایند و این فضل مخصوص این ظهور بوده و همچنین میفرماید اذا ظهر یبدل النور بالظلمة و الظلمة بالنور مع ذلك بنفسیکه از مبدء و منتهای او مطلع نیستید از مطلع انوار احدیه و مشرق آیات الهیه محروم مانده اید بگوئید قدری بیان فارسی را ملاحظه کنید لعلمکم تدعون الموهوم و ترون شمس اسم ربکم القیوم مشرقة بین السموات و الارضین بشنویید ندای ناصح امین را و قطع نظر از آنچه استماع نمودید در آیات الهیه نظر نمائید و در ما ظهر فی الظهور تفکر کنید لعلمکم تدعون الهوی و تتوجهون الی الله العلیم الحکیم ان تکفروا انتم و من علی الارض جمیعا انه لهو الغنی الحمید انتم یا احبائی فی القاف دعوا هؤلاء ثم اقبلوا بالقلوب الی شطر الله المقتدر العزیز المحبوب کونوا علی شأن تستضیء بکم الآفاق و تتوجه بکم الوجوه الی شطر ربکم العزیز الودود احمدوا الله بما جرت اسمائکم من قلم الوحی و ینطق باذکارکم لسان المسجون نسئل الله ان یؤیدکم علی الاتحاد فی امر ربکم مالک یوم المعاد و یجعلکم من الذین لا خوف علیهم و لا هم یحزنون اشربوا کأس الحیوان بالروح و الريحان رغما للذین کفروا بالرحمن و کانوا عن لقائه هم معرضون طوبی لکم بما ذکرتم من لدن مالک القدم فی السجن الاعظم و توجه الیکم طرف الله المقتدر المهیمن القیوم بایستید بر امر الله بشأنیکه هر مضطربی مستقیم شود و هر عظم ریمی بحرکت آید و جهد نمائید تا ظلمت امکان از انوار ذکر رحمن مستنیر شود انشاء الله کل بما یلیق لشیء ونکم و نسبتکم الی الله قیام نمائید سدره منتهی تکلم میفرماید بگوش جان بشنویید لسان رحمن در نطق است باصغای آن فائز شوید کذلک یذکرکم ربکم المتکلم العلیم یا امائی هناك افرحن بما ذکرتم من القلم الاعلی ثم استقمین علی امر الله مالک الاسماء کذلک یعظکن ربکن فی هذا اللوح الذی طرز بطراز بیان الله العزیز المحمود ای اماء من انشاء الله لم یزل و لایزال از کوثر محبت غنی بیزوال بیاشامید و بذکر و ثنایش ناطق باشید انما البهء علیکم یا احباء الله و علی الذین یسمعون قولکم فی هذا الامر الابدع العظیم